

تحلیل ره آوردهای وحدت امت اسلام از منظر امام علی (ع)

محمد امیری *

مسعود مظفراف **

چکیده

در اندیشه‌ی والای ولی خدا علی مرتضی (ع) وحدت تفرقه را نهیب می‌زند و همین بنا و بنیان پیروز خواهد شد؛ زیرا ریشه و منشأ آن قرآن و سپاه و لشکرش امت اسلام ناب است. بی‌تردید هم‌گرایی محصول پیوندهای اعتقادی، ارزشی، فرهنگی و هنجاری تحقق یافته در جامعه است. از آنجاکه مقصود و مطلوب اصلی پژوهش بررسی و تحلیل ساختارمند کارکردهای وحدت امت اسلام از منظر امام علی (ع) می‌باشد به اقتضای مبنا و منبع محوری، مواد تحقیق سیره‌ی عملی و فرمایشات علمی تبلور یافته‌ی امیر بیان در نهج‌البلاغه است. برای نیل به مطلوب از روش توصیفی-تحلیلی، با ماهیت نظریه‌پردازی و نگرش کاربردی استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد از نظر حضرت امیر (ع) بایست ره‌آوردها بر مبنای توحیدی محوری و معاد باوری برگرفته از آموزه‌های قرآن و عترت مدنظر قرار گیرد. با این مبنا به دست آمد که کلیدی‌ترین ره‌آوردهای وحدت امت؛ حفظ دین، شناسایی تندروها، تعمیم سطح سواد، نشر اسلام در جهان با منطق علمی و اخلاق اسلامی، وجهه نظر قرار دادن مصالح کلی و رسیدن به عزت و اقتدار در ابعاد فرهنگی، سیاسی و مدیریتی، نظامی و اقتصادی است. افزون بر آن مشخص شد که امت اسلامی با ایجاد اتحاد و یکپارچگی می‌توانند ضمن برخورداری از ره‌آوردهای ذکر شده به رشد و شکوفایی و استعلا در همه عرصه‌ها نائل گردند.

واژگان کلیدی: امام علی، نهج‌البلاغه، وحدت امت اسلام، کارکردها، ره‌آوردها وحدت.

* دکتری قرآن و علوم گرایش مدیریت، پژوهشگر جامعه المصطفی العالمیه: m.amiri4811@gmail.com

** دانش پژوه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول): Muhammad_m92@mil.ru

مقدمه

وحدت اسلامی از دغدغه‌های است که بر مبنای قرآن و سنت از آغاز اسلام مورد اهتمام جدی واقع شده است. قرآن کریم مسلمانان را برادرانی توصیف کرده که وظیفه‌ی آنان ایجاد صلح و هم‌دلی در میان هم است «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ» (حجرات/۱۰). در فرمایشات پیامبر معظم اسلام (ص) نیز در حوزه وحدت سخن بسیار است و به نظر می‌آید یکی از کلیدی‌ترین‌ها آن است که می‌فرمایند پیروی از حاکمان الهی عامل نظام‌مندسازی و وحدت بخشی امت است «إِسْمَعُوا وَأَطِيعُوا لِمَنْ وِلَاةُ اللَّهِ الْأَمْرُ، فَإِنَّهُ نِظَامُ الْأَسْلَامِ» (امالی مفید، ۱۴۱۳: ۱۴).

امام علی (ع) که هم دست‌پورده‌ی پیامبر اکرم (ص) است و هم پژوهش بر محور سیره‌ی عملی و گفتارهای علمی او در نهج‌البلاغه سامان یافته به این مسئله عنایت خاص دارد و بر همین مبنا با وجود این‌که خود را ولی برحق می‌دانست (نهج‌البلاغه، خطبه ۱ و ۶) با خلفای پیش از خود ضمن داشتن اختلاف سیاسی و درک از آموزه‌های اسلام در حوزه‌های ترویج فرهنگ و حیانی، چگونگی پیکار و مقابله با دشمنان دین و مانند آن بر مبنای قرآن و با هدف حفظ مصالح عمومی امت؛ همکاری داشت.

از باب نمونه آن حضرت به خلیفه‌ی دوم، با واقع‌بینی مشاوره‌ی نظامی داد که در جنگ قادسیه (۳۱ کیلومتری کوفه) با نظام ساسانی ایران قدیم چگونه رفتار، سیاست و راهبرد پیکاری اتخاذ کند و از متن و محتوای آموزه‌های نهج‌البلاغه به دست می‌آید که هدایت و راهنمایی‌های آن پیشوای الهی موجب پیروزی مسلمانان شد (دشتی، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۶).

و همچنین آن حضرت در نهج‌البلاغه وحدت را عامل یاری خدا و رهیدن از دام شیطان می‌داند و به صورت مشخص می‌فرماید: «دست خداوند با جماعت است باید از تنهای پرهیزید؛ زیرا انسان تنها بهره‌ی شیطان می‌شود، آن‌گونه که گوسفند تنها طعمه گرگ خواهد



شد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷). و نیز آن امام همام در همین نهج البلاغه در باب ضرورت پیروی از مدیر و رهبر به این توجه می‌دهند که نقش رهبری مانند نقش نخ تسبیح در مجتمع ماندن دانه‌های آن است یعنی همان‌گونه که نخ تسبیح عامل وحدت بخشی مهره‌ها و موجب در کنار هم نگه‌داری و برقرار سازی ارتباط منظمی میان آنان است تا از پراکندگی و دور افتادگی و گم‌شدن حفظ شوند؛ مدیر و پیشوای امت نیز دارای چنین جایگاه است (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶).

بی‌گمان از این فرمایشات که به صورت مطلق آمده‌اند هم اهتمام به وحدت استفاده می‌شود و هم این‌که متحدشدن امت اسلام و در هر زمانی در یک صف در برابر دشمن مشترک قرار گرفتن موجب نصرت الهی و پیروزی آنان و رسیدن به عزت و اقتدار و استقلال در حوزه‌های مختلف زندگی است که در بدنه‌ی پژوهش به واکاوی گرفته خواهند شد.

پیشینه پژوهش

بی‌تردید وحدت و هم‌گرایی موثر محرک امت اسلام و عامل عبور دهنده از مشکلات است و بر همین اساس از دیربازی مردان علم و اراده و عمل اهتمام جدی بر او ورزیده، اتحاد و انسجام را یکی از ضروری‌ترین نیازهای امت اسلام برای هم‌افزایی توان در برابر دشمنان و دارای آثار و برکات فراوان دانسته‌اند. این باور و بنا مستندات قرآنی و روایی فراوان دارد و درباره‌ی این مسئله کتاب‌ها و مقاله‌های تدوین شده و از این جهت موضوع دارای پیشینه‌ی دیرینه و پر مرجع است. منابع مرتبط با پژوهش که بیشتر استفاده از آن‌ها شده کتاب «میزگرد تقریب بین مذاهب اسلامی» جمع‌آوری سید هادی خسروشاهی (شروق، ۱۳۸۰)؛ «تقریب بین مذاهب؛ از نظر تا عمل» و «جنگ در تاریکی یا شیعه و سنی چه فرق دارند؟» دو اثر از آیت الله محسنی و مقالاتی مانند «اتحاد و همبستگی در نهج البلاغه» اثر جواد خرمی؛ «اصول و مبانی وحدت و انسجام از نگاه امام علی» اثر علی صادقی؛ «مبانی نظری وحدت امت اسلامی از منظر امیر المومنین» اثر محمد رضا بهدار؛ «امام علی



تندیس وحدت» اثر مقدسی و علوی مهر؛ «بررسی وحدت مسلمانان در حکومت امیرالمؤمنین» اثر فرمانیان و نورانی؛ «مبانی هم‌گرایی اسلامی در نهج‌البلاغه» اثر قنبری؛ «تحلیل بنیان‌ها و کارکردهای وحدت و هم‌گرایی امت اسلامی در منظومه‌ی فکری امیرالمؤمنین علی» اثر محمد امیری ارائه شده در کنگره بازخوانی ابعاد شخصیتی امیرالمؤمنین علی (ع) است.

به نظر می‌آید تأمل در عنوان‌های پژوهش‌های پیشین به خوبی زاویه‌ی نگرش و کانون محوری به دست می‌آید. به صورت مشخص درباره تفاوت مقاله نویسنده مسئول این پژوهش که در اثری تحت عنوان امام علی و علوم انسانی، به چاپ رسیده و نیز در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه شده با پژوهش حاضر در این است که آن اثر در سطح کلی‌تر و با عنوان و منابع فراگیرتر سامان یافته است. در این تحقیق اهتمام فقط به بررسی و تحلیل ره‌آورد‌های وحدت امت می‌باشد و این روشن می‌سازد که امتیاز پژوهش پیشرو هم در محدوده موضوع و هم در تمرکز بر بحث و بسط آموزه‌های نهج‌البلاغه در حوزه‌ی مسئله است.

مفهوم‌شناسی

۱. وحدت

وحدت در لغت به معنای یکی بودن، یگانه بودن، هم‌بستگی و پیوستگی در مقابل تکثر و پراکندگی است (ر.ک: معروف، المنجد فی اللغة، ۹۷۸؛ دهخدا، لغتنامه، ۲۰۴۵۳/۱۴؛ آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ۷۳۷)؛ و وحدت در نگاه فلسفه‌ی وحدت وجود، باوری است مبتنی بر این‌که جهان وجود از جمادات و نباتات و حیوانات و فلکیات و مانند آن‌همه یک وجودند که در مرتبه‌ی فوق و اقوی وجود خداوند قرار دارند و در این پژوهش منظور از وحدت چنین چیزی نیست.

تعریف‌های ارائه شده از جانب پیشگامان عرصه وحدت اسلامی، وحدت را به معنای ذوب شدن مذاهب اسلامی درهم یا تفوق دادن یکی بر دیگری نمی‌دانند بلکه غرض تبیین این مسئله است که مسلمانان در اصول و بنیان‌های دین وحدت دارند و در فروع اجتهاد و لازمه‌ی اجتهاد و اندیشه‌ورزی اختلاف برداشت‌هاست. از این‌رو نبایست پیروان مذهب اسلامی نسبت به همدیگر نگاه منفی داشته باشند بلکه از زاویه‌ی رحمت الهی نگریسته و اختلاف در فروع را از منابع و مراجع خود مذاهب دریافت کنند و نقاط مشترک را تقویت کرده و برای تعمیق آن تلاش و در امور فرعی اختلافی یکدیگر را معذور دارند (امیری، امام علی و علوم انسانی، ۱۳۹۸: ۴/۱۳۲).

بر همین اساس آیت الله محمدعلی تسخیری رئیس فقید مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی می‌فرماید: منظور از وحدت همکاری میان پیروان مذاهب اسلامی بر پایه اصول مشترک و مسلم اسلامی و اتخاذ مواضع یکسان به منظور تحقق اهداف و مصالح عالی‌امت اسلامی و گرفتن موضع متحد در برابر دشمنان با تضمین احترام به تعهدات عقیدتی و علمی هر فرد مسلمان در برابر مذهب خویش است (تسخیری، مجله تقریب، شماره دوم)

۲. اُمَّت

اُمَّت، واژه‌ای عربی است و به معانی قوم، قبیله، عشیره، گروه‌های نژادی و نیز ملت یا جامعه‌ای مذهبی که تحت لوای هدایت یک پیامبر قرار دارد؛ آمده است. این معانی هم از کتب لغت و هم از آیات قرآن کریم به دست می‌آیند. به عنوان نمونه آیه «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (بقره/ ۱۴۱) این معنا را می‌رساند که پیشینیان گروهی بودند که درگذشتند، دستاورد آنها از آن آنهاست و دستاورد شما اهل کتاب نیز از آن شماست، و شما هرگز از آنچه پیشینیان می‌کردند بازخواست نمی‌شوید.





شایان ذکر است واژه‌ی «امت» بیش از ۶۰ بار در قرآن کریم به صورت‌های مفرد و جمع و ترکیب‌های متفاوت آمده و بیانگر وضعیت‌های گروه‌های و شعب مختلف است. از مهم‌ترین مستندات قرآنی این برداشت آیه: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ...» (بقره/ ۲۱۳) و آیه: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (آل عمران/ ۱۱۰) و آیه: «...مِنَ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ...» (آل عمران/ ۱۱۳) و آیه: «...مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ» (مائده/ ۶۶) و آیه: «لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ» (حج/ ۶۷) و مانند آن (یوسف/ ۵۴)؛ است.

در باره معنای اصطلاحی آن بایست به ابعاد مختلف توجه داشت و به نظر می‌آید وجه جمع برداشت‌ها همان آموزه‌های قرآنی است که امت را به معنای جماعتی از مردم دانسته که خداوند برای آنان پیامبری مبعوث کرده، و آنان به او ایمان آورده‌اند، و از این‌رو، با خداوند پیمان بسته، و با او ارتباط یافته‌اند. به هر روی آنچه بایست محور توجه قرار گیرد این است که در این پژوهش منظور امتِ حافظ وحی الهی است و قرآن خود بر حفظ و نگاهبانی از ذکر تأکید کرده است (حجر/ ۹) و همین امت، بهترین و منتخب «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ...» (آل عمران/ ۱۱۰) و امت پیامبر آخرالزمان است.

۳. امام علی

علی بن ابیطالب (ع) از نظر علمای شیعه و بسیاری از علمای اهل سنت، در سیزدهم رجب سال سی‌ام عام الفیل در حدود سال ۶۰۰ میلادی یعنی ۲۳ سال پیش از هجرت پیامبر اکرم (ص) در شرایط منحصر به فردی در داخل خانه کعبه، متولد شد و در صبحگاه نوزدهم ماه مبارک رمضان سال ۴۰ هجری زمانی که امام آماده می‌شد تا به سوی صفین حرکت کرده و جنگ جدیدی را با معاویه آغاز کند، توسط شقی‌ترین انسان‌ها، عبدالرحمان بن ملجم مرادی در مسجد کوفه فرق مبارکش شکافته شد و سه روز بعد در ۲۱ رمضان به شهادت رسید.

امام علی (ع) امام اول همه مذاهب شیعه، کاتب وحی، پسرعمو و داماد پیامبر اکرم (ص)، همسر حضرت فاطمه (س)، پدر و جد یازده امام شیعه امامیه است.

امام علی (ع) در همه غزوات پیامبر اسلام (ص) شرکت داشت، به جز جنگ تبوک که پیامبر (ص) او را به جانشینی خود در مدینه گماشت. امام علی (ع) در غزوه بدر، تعداد زیادی از مشرکان را به هلاکت رساند، در غزوه احد از جان پیامبر (ص) محافظت کرد، در غزوه خندق با کشتن عمر بن عبدود جنگ را خاتمه داد و در غزوه خیبر، با کندن درِ بزرگ قلعه خیبر، جنگ را به سرانجام رساند.

نکته‌ی پایانی اینکه پیامبر (ص) پس از انجام تنها حج خود، پس از نزول آیه تبلیغ، مردم را در منطقه غدیر خم جمع کرد؛ سپس خطبه غدیر را خواند و دست امام علی (ع) را بلند کرده و فرمود «هر که من مولای او هستم، علی نیز مولای اوست، خدایا دوست بدار آن که او را دوست دارد و دشمن او را دشمن بدار.» (نجفی، دلائل الصدق لنهج الحق، 1422: 4/340)

۴- نهج البلاغه

نهج البلاغه، به معنای راه شیوایی یا راه فصاحت است و بر اساس همین معنا شیخ محمد عبده، یکی از علمای بزرگ اهل سنت مصر معتقد است که «نهج البلاغه» بهترین توصیف و عنوان برای این کتاب است (عبده، شرح نهج البلاغه، بی تا: ۱۰). این گزیده‌ای سخنان امام علی آن امیر سخن و خداوندگار بلاغت است که دانشمند نامور قرن چهارم هجری جناب سید رضی توفیق یافت و باهمت و تلاش پاره‌های از سخنان حضرت را در سه بخش خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات کوتاه گرد آورده و معیار انتخاب سخنان امام علی (ع) را فصاحت و بلاغت قرار داده است (نهج البلاغه، عطاردی قوچانی، ۱۴۱۳ ق، مقدمه سید رضی، ص ۱).



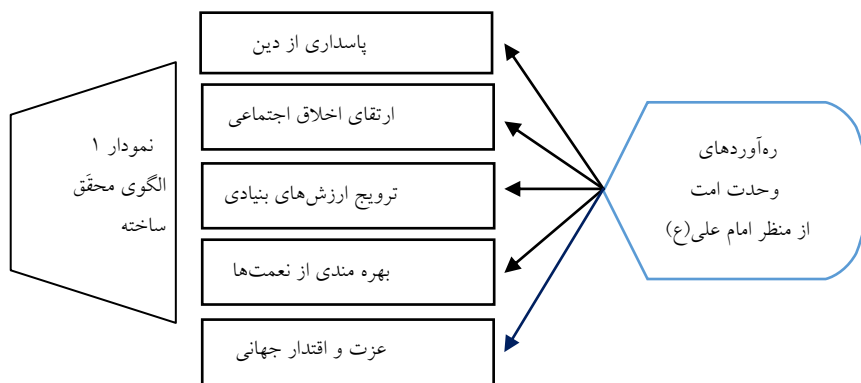


سخن سنجانِ ظرافت بین، بیانات امام متقین علی (ع) را فراتر از بشر و فروتر از خدا دانسته «کلامه دُونَ کلامِ الخالقِ وَ فَوْقَ کلامِ المَخْلُوقِ» و از این رو آن را «اَخُّ الْقُرْآنِ» نامیده‌اند (مصطفوی، رابطه قرآن با نهج البلاغه، بی تا: ۴) بر همین اساس قطعه‌ای از سخنان امیر بیان به دست هر عالم ژرف بین برسد به شگفتی فرو می‌رود و سرشار از مفاهیم اساسی در ابعاد مختلف می‌یابد.

باری، نهج البلاغه اصلی، عربی و بدون مستندات است و دانشمندان آن را با زبان‌های دیگر دنیا ترجمه کرده و مستدرکات متعددی نیز در مورد نهج البلاغه نوشته شده است. برای نهج البلاغه ترجمه‌ها و شرح‌های زیادی با زبان فارسی وجود دارد و هرکدام سهمی در انتقال کلام امام (ع) به ذهن و فکر فارسی زبانان دارند. به نظر می‌آید یکی از ترجمه‌های خوب فارسی، اثر محمد دشتی و یکی از بهترین شرح‌های فارسی، پیام امام اثر آیت الله مکارم شیرازی است.

الگوی مفهومی پژوهش

الگوی مَحَقَّق ساخته در نمودار (۱) نشان داده شده است.



بررسی و تبیین ره‌آورد های وحدت امت اسلامی

سیره‌ی عملی و فرمایشات علمی امام علی (ع) در نهج البلاغه به این رهنمونند که ره‌آورد های وحدت امت اسلامی از منظرهای مختلف قابل طرح و بحث می‌باشد؛ اما به

نظر می‌رسد با نگرش مدیریتی محوری‌ترین‌ها اموری هستند که کلیات آن‌ها در الگو ارائه‌شده و در این قسمت از پژوهش هرکدام در حد نیاز و برحسب اقتضای ظرفیت مقاله، تبیین خواهد شد.

۱- پاسداری از دین

بی‌تردید در سایه‌ی وحدت، هم‌دلی و اخوت اسلامی، می‌توان دین و ارزش‌های آن را حفظ کرد و پاسداشت. امیر بیان بر مبنای «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (حجرات/۱۰)» به این مسئله عنایت جدی دارد و برای آن زیرگونه‌های زیادی می‌توان از نهج البلاغه کشف و اصطیاد کرد؛ با این وجود به نظر می‌آید محوری‌ترین‌ها دو مسئله ذیل است.

۱-۱. گذشتن از حق مسلم خود

امام علی (ع) در نامه‌ی که به مردم مصر با مالک اشتر فرستاد فرموده‌اند: «سوگند به خدا! نه در فکر می‌گذشت و نه در خاطر می‌خطور می‌کرد که عرب، خلافت را پس از پیامبر از اهل بیت او بگیرند یا مرا پس از پیامبر از عهده‌دار شدن حکومت باز دارند ولی مردم به‌سوی دیگری شتافتند و با او بیعت کردن! من دست‌باز کشیدم تا آنجا که دیدم گروهی از اسلام بازگشته، می‌خواهند دین محمد (ص) را نابود سازند؛ پس ترسیدم که اگر اسلام و طرفدارانش را یاری نکنم، رخنه‌ای در آن ببینم، یا شاهد نابودی آن باشم، این مصیبت بر من سخت‌تر از محرومی حکومت کردن بر شما و کالای چندروزه‌ی دنیا بود ... لذا در میان آن آشوب و غوغا بپا خاستم؛ تا آنکه باطل از میان رفت و دین استقرار یافت» «...فَوَاللَّهِ مَا كَانَ يَلْقَى فِي رُوعِي وَ لَا يَخْطُرُ بِبَالِي أَنَّ الْعَرَبَ تُرْعِجُ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ لَا أَنَّهُمْ مُنْحَوَةٌ عَنِّي ...» (نهج البلاغه، نامه ۶۲).



بی تردید با اندک تأمل در متن و محتوای فرمایشات امیر بیان به این می‌رسیم که ایشان برای حفظ دین از حق مسلم خود گذشته و در خطبه ۷۴ نهج البلاغه نیز به این گذشت با هدف اتحاد امت توجه داده که در پاره پسین تبیین خواهد شد.

۲-۱. ایجاد وحدت

حضرت علی (ع) در فرمایشات خود به چگونگی سیر ارتجاعی امت اسلامی و اهمیت نظم اجتماعی برای گسترش اخلاق اسلامی و گروه‌های مختلف جامعه توجه داده و می‌فرماید مردم چهار دسته‌اند: «گروهی اگر دست به فساد نمی‌زنند برای این است که روحشان ناتوان، شمشیرشان کند و امکانات مالی در اختیار ندارند. و گروهی دیگر آناند که شمشیر کشیده و شر و فسادشان آشکار کرده‌اند... دین را برای به دست آوردن مال دنیا تباه کرده‌اند تا رئیس و فرمانده گروهی شوند یا به منبری قرار گرفته خطبه بخوانند. و گروهی دیگر با اعمال آخرت، دنیا را می‌طلبند و با اعمال دنیا در پی کسب مقام‌های معنوی آخرت نیستند و با گام‌های ریاکارانه خود را متواضع نشان می‌دهند... و گروهی اندکی هست که با یاد قیامت چشم‌ها را به همه چیز فرو بسته و مخلصانه مردم را به سوی خیر و خدا و آخرت دعوت می‌کنند و این‌ها نیز گونه‌ها دارند (نهج البلاغه، خطبه ۳۲).

و در فرازهای اولیه خطبه ۷۴ نهج البلاغه می‌فرماید: «می‌دانید که سزاوارتر بر خلافت از دیگران من هستم «لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّي أَحَقُّ النَّاسِ بِهَا مِنْ غَيْرِي...» با این وجود سوگند به خدا به آنچه انجام داده‌اید گردن می‌نهم، تا هنگامی که اوضاع مسلمانان رو به راه باشد «وَاللَّهِ لَا أُسَلِّمَنَّ مَا سَلِمَتْ أُمُورُ الْمُسْلِمِينَ» در ادامه همین مطالب می‌فرماید تا مادامی که شیرازه اتحاد امت از هم نپاشد و غیر از من به کسی ستم نشود، سکوت می‌کنم و فضل و فضیلت آن را از خدا خواستارم. بی تردید این فرمایشات امیر بیان رهنمون به این هستند که برای حفظ دین بایست به اهم و مهم توجه داشت و اهم را وجهه و کرانه نظر قرار داد.

۲. ارتقای اخلاق اجتماعی

بی‌تردید ارتقای نظم اجتماعی و نهادینه‌سازی مدیریتی آن با قانون‌گرایی و فتقان در عمل و شناسایی آسیب‌های رفتارهای انحرافی و چگونگی تقسیم کار رابطه معنا دارد که طرح و تبیین بایسته‌ی آن‌ها نیازمند جستار جداگانه است از این‌رو با محور قرار دادن دو زیرگونه که در پیش برد برنامه‌ها و درخشش کارنامه‌ها نقش بسیار مؤثر دارند، در این پژوهش از منظر امام علی (ع) اشاره می‌گردد.

۱-۲. رفق و مدارا

واژه‌ی «رفق» به معنای ملایمت و مهربانی و «مدارا» به معنای تسامح، سعه‌ی صدر و میانه‌روی است (دهخدا). در روایات منظور از «رفق و مدارا» داشتن سعه‌ی صدر برای آسان گرفتن و ترک خشونت در گفتار و رفتار است (ر.ک: مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۸، ص ۲۳۳) در باب اهمیت و جایگاه آن در اسلام همین بست که خداوند به حضرت موسی (ع) دستور می‌دهد در مواجهه‌ی با فرعون از در مدارا و ملاحظت وارد شود «اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ، فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَٰهِي إِلَّا أَن تَرْكَىٰ (نازعات»، ۱۷ و ۱۸)؛ «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ» (طه، ۴۴).

بر همین اساس داشتن ویژگی نرم‌خویی پیامبر اکرم (ص) لطف خاص الهی به او و عامل نفوذ بر دل‌ها معرفی شده است «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران/۱۵۹) و بر همین بنا و بنیان رسول اکرم (ص) فرموده است: «أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ»، «پروردگارم مرا به رفتار مهربانانه با مردم دستور داده هم‌چنان که به انجام واجبات امر کرده است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۱۷) و حضرت علی (ع) که ولی خدا و وصی برحق رسول‌الله هستند در شیوه مدیریتی خود رفق و مدارا را در سرلوحه‌ی برنامه‌ها



قرار داده است و برای این مدعا از سیره عملی و فرمایشات علمی آن شواهد فراوان وجود دارد.

به نظر می‌آید یکی از برجسته‌ترین‌ها این فرمایش است: «وَ اَرْفُقْ مَا كَانَ الرَّفْقُ اَرْفَقَ وَ اعْتَزِمْ بِالسَّدَّةِ حِينَ لَا تُغْنِي عَنْكَ اِلَّا السَّدَّةُ وَ اخْفِضْ لِلرَّعِيَةِ جَنَاحَكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَ اَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ، وَ اَسِرْ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَ النَّظْرَةِ وَ الْاِشَارَةِ وَ التَّحِيَةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ وَ لَا يَبْأَسَ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ» (نهج البلاغه، نامه ۴۶).

شایان ذکر است این فرمایشات دستور العمل مدیریتی به یکی از فرمانداران می‌باشد و در آن به خوبی مسئولیت اجتماعی و اخلاقی مدیر نظام علوی و التزام آن به رفق و مدارا تبیین شده که طرح و بحث آن مجال جداگانه می‌طلبد؛ اما در کلی‌ترین شکل نکات محوری آن این است که حضرت به آن کارگزار خود برنامه می‌دهد که تا جای ممکن است مدارا پیشه سازد و بال‌های مهرورزی را بروی مردم بگستراند، با مردم با روی گشاده برخورد کند و رفتار متواضعانه و کریمانه داشته باشد و حتی در نگاه و اشاره چشم و سلام کردن با همگان یکسان باشد تا زورمندان در ستمگری طمع نکنند و ناتوانان از اجرای عدالت مأیوس نشوند.

۲-۲. شناسایی منحرف‌ها

یکی از چالش‌های اساسی فراروی امت اسلامی، وجود فرقه‌ها و افراد تندروی منحرف است که امروزه امت اسلام گرفتار آنان شده و در زمان امام علی (ع) گروه خوارج روش و منش اینان را داشتند و حضرت آنان را مردم اوباش از هر سو گردآمده و از هر آمیخته‌ای برچیده شده و جاهلان سخت‌دل معرفی کرده می‌فرماید: «جُفَاءَ طَعَامٍ عَبِيدٌ أَقْرَامٌ جُمِعُوا مِنْ كُلِّ أَوْبٍ وَ تُلْقَطُوا مِنْ كُلِّ شَوْبٍ مِمَّنْ يَنْبَغِي أَنْ يَفْقَهُ وَ يُوَدَّبَ وَ يَعْلَمَ وَ يَدْرَبَ...» (مجلسی، بحار، ج ۳۳، ص ۳۲۳) و امروزه نیز وظیفه علمای اسلام چنین است.

امیر مؤمنان علی (ع) در نکوهش تکفیری‌ها و فریب خوردگان می‌فرماید: «از رحمت خدا دور باشند چنان قوم ثمود، آگاه باشید! اگر نیزه‌های به‌سوی آنان راست شود و شمشیرها

برسرشان فرود آید، از گذشته‌ی خود پشیمان خواهند شد. امروز شیطان آن‌ها را به تفرقه دعوت کرد و فردا از آن‌ها بی‌زاری می‌جوید، و از آن‌ها کنار خواهد کشید. همین ننگ آن‌ها را کافی است که از هدایت گریختند و در گمراهی و کوری فرورفتند، راه حق را بستند و در سرگردانی ماندند («... فَحَسْبُهُمْ بَخْرُوجِهِمْ مِنَ الْهُدَىٰ وَ اِزْتِكَاسِهِمْ فِي الضَّلَالِ وَالْعَمَىٰ وَ صَدَّهُمْ عَنِ الْحَقِّ...») (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۱).

۲-۳. رعایت وظایف اخلاقی

از دیگر طرق ایجاد وحدت و هم‌گرایی درک وظیفه‌ی اخلاقی و رعایت ادب است. عفت کلام و دوری از اسانه‌ی ادب موجب رفع گسستگی و سبب ایجاد صلح و صفا است. امام علی (ع) در این حوزه گاه به صورت توصیفی و گاه با فحوای توصیه‌ای سخن گفته است.

از باب نمونه در سفارش به فرزندش محمد حنفیه می‌فرماید: «أَحْسِنُ إِلَىٰ جَمِيعِ النَّاسِ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يَحْسَنَ إِلَيْكَ وَ اِرْضَ لَهُمْ مَا تَرْضَاهُ لِنَفْسِكَ ... حَسِّنْ مَعَ جَمِيعِ النَّاسِ خُلُقَكَ حَتَّىٰ إِذَا غَبَتَ عَنْهُمْ حَنُّوا إِلَيْكَ (اشتیاق) وَ إِذَا مِتَّ بَكَوْا عَلَيْكَ وَ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ لَا تَكُنْ مِنَ الَّذِينَ يَقَالُ عِنْدَ مَوْتِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۸۷). ایشان با استناد به آیات «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا...» (آل عمران، ۱۰۳)، «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات، ۱۰)؛ مسلمانان را به چنگ زدن به ریسمان الهی، رعایت حق برادری و اصلاح امور مردم توصیه کرده و فرمودند از پیامبر شنیدم اصلاح کردن بین مردم، از نماز و روزه‌ی یک‌سال برتر است «صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ» (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

افزون بر آن نیز برای ایجاد پیوند و هم‌دلی مسلمانان فرمودند: «عَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاصِلِ وَ التَّبَادُلِ وَ اِيَّاكُمْ وَ التَّدَابُرِ وَ التَّقَاطُعِ»، «برشما باد هم‌گرایی و بخشش به یکدیگر و زینهار از قهر و قطع رابطه و از بین بردن پیوند دوستی» (نهج البلاغه، نامه ۴۷).



از جمله وظایف اخلاقی این است که انسان در گفتار و رفتار ادب را نسبت به هرکسی رعایت کند، به‌ویژه درباره‌ی کسانی که مورد احترام دیگران و شخصیت‌های حقیقی و حتی بت‌ها و نمادهای اعتقادی مشرکین هستند؛ زیرا در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ» (انعام، ۱۰۸)، «(به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبادا آن‌ها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند! این‌چنین برای هر امتی عملشان را زینت دادیم». در حوزه‌ی رعایت ادب و عمل به وظیفه‌ی اخلاقی از امیرالمؤمنین سخن بسیار است از جمله می‌فرماید: «از زشت‌گویی بپرهیزید که دل را پر از کینه می‌کند» (آمدی، ج ۲: ۲۹۸)؛ «زبان‌ت را به سخن ملایم و سلام کردن، عادت ده تا دوستان‌ت زیاد شوند» (همان، ج ۴: ۳۲۹)؛ «بدزبانی موجب کاهش ارزش و از بین رفتن دوستی است» (همان: ۱۴۴) و فرمود: «من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید»، «إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّائِينَ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۶).

۳- ترویج ارزش‌های بنیادی

دشمنان اسلام با انواع برنامه‌های انحرافی و مغشوش ساز اذهان توده مردم تلاش می‌کنند از اهتمام امت به وحدت و انسجام جلوی‌گیری کنند. به نظر می‌آید برای خنثی‌سازی طرح و برنامه‌های دشمن و نهادینه‌سازی ارزش‌های اسلامی امور ذیل از برجسته‌ترین‌ها هستند.

۱- ۳. رفع شبهه‌ها

یکی از شبهات هوشمندانه دشمنان اسلام پررنگ کردن رنگ ملی‌گرایی در سیاست معمول به‌عنوان یک زیرمجموعه برای دیگر باورها و برنامه‌های همسو ساز با دشمنان است. شناخته می‌شود و قابلیت ارتجاع به راست و چپ را دارد (ناسیونال سوسیالیسم یا ناسیونال دموکراسی) و علت رواج آن برنامه‌های استعماری با شعار ایجاد یک آرمان و هویت برای ملل‌گرای غیر توحیدی است. در این خصوص از آموزه‌های خطبه‌ی ۱۹۲ نهج البلاغه که

معروف به خطبه‌ی قاصعه یعنی کوبنده و تحقیرکننده‌ی ارزش‌های جاهلی است، می‌توان بهره‌ها گرفت.

شایان ذکر است که این خطبه یکی از طولانی‌ترین خطبه‌های نهج البلاغه می‌باشد و گفته شده حضرت علی (ع) در سال ۴۰ هجری در حالی که سوار بر اسب بود، آن را ایراد فرموده است (محمد دشتی، ۱۳۸۷: ۱۷۲).

در این خطبه به مذمت و نکوهش رذایل اخلاقی مانند تعصب‌های جاهلی، تکبر و غرور، هشدار از دشمنی‌های شیطان، ضرورت عبرت‌گیری از گذشتگان و سرنوشت شیطان و اجتناب از پیروی آن فراخوانده است. همچنین در این خطبه حضرت از فلسفه آمیزش‌ها و فلسفه حج و دیگر عبادات اسلامی و نیز عللت پیروزی و شکست ملت‌ها، ره‌آورد بعثت پیامبر و ضرورت قاطعیت در نبرد با منحرف‌ها و الگوهای کامل و بایسته‌ی ایمانی سخن گفته است.

حضرت در این خطبه برای رفع شبهات بی‌بنیاد و نگرش‌های تعصب‌گرایانه می‌فرمایند: «آگاه باشید با این وضعیت دست از رشته‌ی اطاعت کشیدید و بازنده کردن ارزش‌های جاهلیت، دژ محکم الهی را درهم شکستید، در حالی که خداوند بر این امت با وحدت و برادری منت‌گذارده تا در سایه‌ی آن زندگی کنند و به کنف حمایت آن پناهنده شوند و این نعمتی است که هیچ ارزشی قابل مقایسه با آن نیست. در ادامه می‌فرمایند دلیل آن این است که از هر ارزشی گرانقدرتر و از هر کرامتی والاتر است و در خطاب به کوفیان می‌فرمایند: بدانید شما پس از هجرت دوباره چنان اعراب بادیه نشین شده‌اید و پس از وحدت و برادر به احزاب گوناگون تبدیل گشته‌اید و از اسلام جز نام آن و از ایمان جز نشانی را نمی‌شناسید...»

«...وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ صِرْتُمْ بَعْدَ الْهَجْرَةِ أَعْرَابًا وَبَعْدَ الْمَوْلَاةِ أَحْزَابًا مَا تَتَعَلَّقُونَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا بِاسْمِهِ وَلَا تَعْرِفُونَ مِنَ الْإِيمَانِ إِلَّا رَسْمَهُ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)



۲-۳. دفع فتنه‌ها

ایجاد فتنه در بین امت از همان دوران صدر اسلام تا عصر حاضر بوده و هست و از منظر قرآن کریم فتنه و آشوبگری، شوم‌تر و پراسیب‌تر از جنگ و کشتار است «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنْ الْقَتْلِ» (بقره/۱۹۱).

در باره دفع فتنه‌ها گفتارهای حضرت مرتبط با سه گروه درون دینی که علیه آن پیشوای حق، جنگ به راه انداختند و جنابت روا داشتند گفتارهای مستوفی دارند که مجال طرح همه نیست. از باب نمونه می‌فرمایند: «آگاه باشید خداوند مرا به جنگ با سرکشان تجاوزکار، پیمان شکن و فساد کنندگان در زمین فرمان داد. با ناکثین پیمان شکن جنگیدم، و با قاسطین تجاوزکار جهاد کردم، و مارقین خارج شده از دین را خوار و زبون ساختم» «... فَأَمَّا النَّاكِثُونَ فَقَدْ قَاتَلْتُ وَ أَمَّا الْقَاسِطُونَ فَقَدْ جَاهَدْتُ وَ أَمَّا الْمَارِقَةُ فَقَدْ دَوَّخْتُ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

۳-۳. اهتمام به مصالح کلان

یکی از دستاوردهای مهم هم‌گرایی مسئله‌ی توجه به اقتضائات و مصالح کلی امت است. با عنایت به این مسئله در جامعه‌ی اسلامی که اقلیت‌های مذهبی وجود دارد بایست حقوق آن‌ها در همه‌ی عرصه‌ها لحاظ شود. نباید افراد و جناح‌ها باسلیقه‌های مختلف کاری کنند که بی‌حرمتی به باورهای پیروان دیگر مذاهب رخ دهد و زمینه و بستر واگرایی و اختلاف فراهم گردد.

غرض این‌که یکی از دستاوردهای هم‌گرایی بر پایه‌ی بنیان‌های دینی رعایت «مصالح عمومی» امت اسلام است. از سیره‌ی عملی و فرمایشات علمی امیر مؤمنان (ع) شاهد و مدرک فراوان می‌توان یافت، از باب نمونه ایشان علی‌رغم آن‌که همیشه ولایت را حق مسلم خود می‌دانست که از او گرفتند و به دیگری داده‌اند! چنان‌که در این زمینه می‌فرمایند: «فَوَاللَّهِ مَا زِلْتُ مَدْفُوعاً عَنْ حَقِّي مُسْتَأْثِراً عَلَى مَنْدُ قَبْضِ اللَّهِ نَبِيَّهُ (ص) حَتَّى يَوْمِ النَّاسِ هَذَا»، «سوگند

به خدا! من همواره از حق خویش محروم ماندم و از هنگام وفات پیامبر تا امروز حق مرا از من باز داشته و به دیگری اختصاص دادند» (نهج البلاغه، خطبه ۶) با وجود این باور هیچ‌گاه در برابر خلفای سه‌گانه قیام نکرد، ۲۵ سال سکوت کرد. سکوت امام این پرسش را نیز به وجود می‌آورد که چه عامل یا عواملی سبب شدند که آن حضرت قیام نکرده و حتی با خلفای پیش از خود بیعت و همکاری داشت؟ (تاریخ طبری، ج ۴: ۱۲۴) چه این‌که هنگامی که دیگران بیرق مخالفت با آن ولی خدا بلند کردند در تبیین مشروعیت حکومت خود به شرایط بیعت با خلفای پیشین بر اساس باور بیعت شکنان استدلال کردند (نهج البلاغه، نامه ۶).

واقعیت این است که سکوت امام و همکاری او با خلفا در راستای مصالح عمومی صورت گرفت. اوضاع سیاسی و اجتماعی و معرفتی صدر اسلام نشان می‌دهد که بعد از رحلت پیامبر (ص) اسلام و مسلمانان دچار مشکلات و بحران‌های خطرناک فراوانی شدند که هر کدام آن‌ها برای اسلام و مسلمانان خطرات جدی بودند. نمونه‌ی برجسته‌ی این بحران‌ها ظهور پیامبران دروغین، ارتداد پاره‌ی از مسلمان‌نماهاست (تاریخ یعقوبی، ج ۲: ۱۰۷).

۴- بهره‌مندی از نعمت‌ها

هم‌گرایی و هم‌دلی موجب حرکت در مسیر آموزه‌های اسلام ناب و پایبندی به تعهد بندگی و قدم برداری در وادی پیشرفت و سبب دریافت مواهب و نعمت‌های الهی و برخورداری از رحمت اوست.

به‌راستی اگر امت اسلام وحدت و هم‌گرایی به معنای واقعی کلمه داشته باشد برای آن ریزش فیض الهی قطعی است؛ زیرا خداوند وعده به این داده که اگر مردم اهل ایمان و تقوا باشند درهای برکات آسمان و زمین بر آنان گشوده خواهد شد (اعراف، ۹۶).

بدیهی است که تقوا و ایمان در پرتو باور به ارکان و عمل به دستوران اسلام حاصل می‌شود. مسئله هم‌گرایی و اخوت دینی از مسائل مهم اسلامی است و در این زمینه امام علی (ع)



می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَعْطِ أَحَدًا بِفُرْقَةٍ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَىٰ وَ لَا مِمَّنْ بَقِيَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶).

آموزه‌های دینی و به‌ویژه فرمایشات امیر مؤمنان علی^(ع) رهنمون به این هستند که خداوند به هیچ‌کس، در هیچ زمانی از راه ایجاد تفرقه خیر نرسانده است و اگر انسان آن‌گونه که سنت الهی اقتضا می‌کند عمل کنند غرق در نعمت‌ها و برکت‌ها شده و با بهره‌مندی از آن‌ها می‌توانند قله‌های رفیع کرامت را فتح کنند.

بر همین مبنا امیر بیان «تنعم و رفاه» را از جمله پیامدهای خوشایند هم‌گرایی و در عداد ره‌آوردهای پر خیر و برکت بعثت پیامبر^(ص) می‌داند (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲). آن پیشوایی آسمانی در فرمایشی واگرایی بنی اسرائیل را سبب کردن لباس عزت از آنان و برجیده شدن نعمت‌های فراوان الهی بیان کرده است (نهج البلاغه للصبحی صالح، ص ۳۹۵). و به طور مشخص در همان خطبه قاصعه از ره‌آوردهای وحی بهره‌مندی از نعمت‌ها و امدادهای الهی دانسته و می‌فرماید: «خداوند با بعثت پیامبر اکرم (ص) نعمت‌ها و بال‌های کرامت خود را بری امت گشود، و جویبارهای آسایش و رفاه برایشان روان ساخت! و تمام برکات آیین حق، آنها را در بر گرفت، در میان نعمت‌ها غرق گشتند و در خرمی پایدار آرام گرفتند و سپس علل سقوط و نکوهش عدم پیروی از امام و ضرورت حفظ وحدت را وجهه نظر قرار می‌دهد. «... فَأَصْبَحُوا فِي نِعْمَتِهَا غَرِقِينَ وَ فِي خُسْرَةِ عَيْشِهَا فَآكِهِينَ...»

۵- عزت و اقتدار جهانی

امروزه به کمک علم و فناوری، ارتباطات ظاهری در سطح جهانی به‌آسانی حاصل می‌شود ولی از جهت هم‌دلی مردم به‌مانند چهل‌تکه شده و هرکس حالت تنهایی را تجربه می‌کند. یکی از ره‌آوردهای مهم وحدت و هم‌گرایی زمینه‌سازی رسیدن وحدت کلمه در شعار و عمل و تحقق بخشی اهداف بعثت در ابعاد فرهنگی، سیاسی و مدیریتی، نظامی و اقتصادی است.

امیر مؤمنان^(ع) در بیان فلسفه‌ی نبوت عامه به مسئله‌ی وفاداری به پیمان فطرت و وحدت‌گرایی برای آشکارسازی توانمندی‌های پنهان عقل جهت برون‌رفت از ظلمت و رسیدن به عزت توصیه و تأکید دارد. در این خصوص اهتمام به متن و محتوای این فرمایش حضرت «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيَذَكِّرُوهُمْ مَنْسِي نِعْمَتِهِ ... (نهج البلاغه، خطبه ۱) روشن و مبرهن ساز مدعا است. چرا که حضرت به این توجه می‌دهند که پیروزی و گسترش اسلام در سال‌های اولیه بعثت، برآیند هم‌بستگی و هم‌گرایی امت بود و در خطبه‌ای دیگری آسیب‌شناسی اجتماعی کرده و تبیین علل چگونگی سقوط و کمال جامعه‌ها را در کانون توجه قرار داده و به مردم کوفه چنین خطاب می‌کند: «شامیان به‌زودی به شما غلبه خواهند کرد؛ زیرا آنان در یاری کردن باطل خود وحدت هم‌دلی دارند و شما در دفاع از حق متفرقید! شما پیشوای خود را در حق نافرمانی کرده و آنان فرمانروای باطل خود را فرمان‌بردارند، آن‌ها نسبت به رهبر خود امانت دارد و شما خیانت‌کارید، آن‌ها در شهرهای خود به اصلاح و آبادانی مشغول‌اند و شما به فساد و خرابی! شما آن‌قدر فرومایه‌اید که اگر کاسه‌ی چوبی آب را به یکی از شما امانت دهم می‌ترسم که بند آن را بدزدید» (نهج البلاغه، خطبه ۲۵).

هم‌چنین در جای دیگر در این خصوص می‌فرماید: «آگاه باشید! به خدایی که جانم در دست اوست، شامیان بر شما پیروز خواهند شد؛ نه از آن‌رو که از شما به‌حق سزاوارترند، بلکه از آن جهت که در راه باطلی که زمامدارشان می‌رود، همسو و شتابان فرمان‌بردارند» (نهج البلاغه، خطبه ۹۷). هم‌چنان که در جهان امروز می‌بینیم در بیان آسیب‌های اجتماعی در دانش جامعه‌شناسی مطرح است (کوئن، ۱۳۹۶) از فرمایشات امام علی^(ع) نیز این استفاده می‌شد که اگر غیرمسلمانان و کسانی که در مسیر باطل خود منسجم و هم‌گرا باشند، پیروز خواهند شد؛ چه رسد به مسلمانان که، خداوند به آنان وعده‌ی یاری داده و در قرآن



کریم با خطاب ایمانی فرموده است: «یا ایها الذین آمنوا إن تنصروا الله ینصركم و ینبئت أقدامکم» (محمد/۷).

بر همین بنا و بنیان امام علی (ع) در خطبه‌ی قاصعه وقتی ضرورت عبرت‌گیری از زندگانی گذشتگان را مطرح می‌کند در کانون توجه رسیدن به عزت بر اثر هم‌دلی و هم‌گرایی را قرار داده و فرمایشات ایشان رهنمون به این هستند که در وقت بازخوانی زندگانی گذشتگان، بایست در این اندیشید که آن‌ها که هم‌گرایی وحدت اجتماعی داشتند، به چه جایگاهی رسیدند؟ کسانی که خواسته‌های آنان یکی، قلب‌های آن‌ها یکسان، دست‌هایشان مددکار یکدیگر، شمشیرهایشان یاری‌کننده، نگاه‌ها به یک‌سو دوخته و اراده‌هایشان واحد و همسو بود! مالک و سرپرست سراسر زمین و پیشوای پیشتاز دنیا شدند ... امیرالمؤمنین (ع) در همین خطبه‌ی قاصعه تصریح دارند که در صدر اسلام امت محمد (ص) در سایه‌ی هم‌دلی امور اجتماعی‌شان استوار شد و در پرتو عزتی پایدار، آرام گرفتند و به حکومتی پایدار رسیدند؛ آنان حاکم و زمامدار جهانیان شدند و سلاطین روی زمین گردیدند و فرمانروای کسانی شدند که درگذشته حاکم بودند و قوانین الهی را بر کسانی اجرا کردند که مجریان احکام بودند و درگذشته، کسی قدرت درهم شکستن نیروی آنان را نداشت و هیچ‌کس خیال مبارزه با آنان را در سر نمی‌پروراند.

در کل از خطبه‌ی ۱۲۹ نهج البلاغه اندیشه‌ها را معطوف ساخته است که به اقتضا در جای جای این پژوهش، آموزه‌های پاره‌های از آن بیان شده و آنچه در اینجا بدان توجه داده شود این است که حضرت می‌فرماید به برکت بعثت و دین اسلام، امت اسلام به‌نظام پایدار رسیدند و حاکم و زمامدار جهان شدند و فرمانروای کسانی شدند که در گذشته حاکم و فرمانروا بودند و قوانین الهی را بر کسانی اجرا می‌کردند که آنان خود مجریان احکام بودند و پیش از بعثت پیامبر اسلام (ص) کسی قدرت درهم شکستن نیروهای آنان را نداشت و هیچ‌کس خیال مبارزه با آنان را در سر نمی‌پروراند.

نتیجه

در پژوهش حاضر به دست آمد که وحدت به معنای ذوب شدن مذاهب نیست بلکه تأکید بر مشترکات و بی‌حرمتی نکردن بر مقدسات مذاهب و اجتناب از امور ددرساز و اختلاف انداز است. امام علی (ع) که خود قرآن علمی است تأکید بر آن دارد که زیر چتر مبانی قرآنی امور فرعی اختلافی را بایست با نگاه اجتهادی نگریست و همدیگر را معذور دانست، این موجب رسیدن به تفاهم و هم‌گرایی و تقویت مشترکات است. بر همین اساس در فرمایشات زیادی بر ارزش و نقش‌آفرینی بی‌بدیل وحدت و همبستگی امت برای رسیدن به رشد و موفقیت و رهایی از طرح‌ها و برنامه‌های شیطان تأکید کرده است. هم‌چنین به دست آمد که مهم‌ترین ره‌آوردها و دستاوردهای وحدت حفظ دین، شناسایی تندروها، رعایت ادب و اخلاق اسلامی، توجه به مصالح کلی و رسیدن به عزت و اقتدار جهانی است. چه این‌که تأمل در این امور موجب درک و کشف راهبردهای هم‌گرایی در حوزه‌های تعامل و ارتباطات و رسیدن به تفاهم، رفتار کریمانه و پرهیز از دامن زدن به اختلافات است. مطالعات نشان داد که مهم‌ترین عوامل اختلاف افکن و دورکننده‌ی از وحدت اموری مانند ملی‌گرایی، پررنگ کردن مسائل زبانی و نژادی و قبیله‌ای و فروع مذہبی است. از آنجاکه این امور اساسی‌ترین دستاویزهای دشمنان دین برای ایجاد تفرقه در بین مسلمین قرار گرفته‌اند بایست با هوشیاری تمام اهتمام به ره‌آوردهای وحدت اسلامی داشت و برای ایجاد هم‌دلی در فروع اختلافی همدیگر را مبتنی بر اجتهاد معذور دانست و طرح و برنامه‌ها را مبتنی بر اعتقادات مشترک، ارزش‌های مشترک و دشمن مشترک و وجهه نظر قرار دادن دخالت و نفوذ خارجی‌ها و تخریب‌های جاهلان داخلی تدارک دید و عملیاتی ساخت.

نتایج نهایی نشان می‌دهد متعصبان مذاهب اسلامی و هم‌چنین برخی از نصوص موجود در کتب طرفین در شعله ورکردن آتش اختلافات و دروی از مبانی و معارف اسلام ناب، نقش‌های مخرب داشته و بایست در این زمینه روشنگری و بررسی علمی داشت؛ زیرا برای تحقق وحدت و هم‌گرایی امت و بهره‌گیری از ره‌آوردهای شیرین آن بایست بر اصول مشترکات دینی و وظایف ایمانی و اخلاق اسلامی و رفتار کریمانه و روابط اجتماعی اهتمام داشت. و به دست آمد که شناخت درست اصول اعتقادی به‌ویژه خداشناسی موجب تقویت اخوت و هم‌دلی عملی و انسان‌شناسی و درک روابط اجتماعی از منظر دین زمینه‌ی ساز تحقق عدالت رفتاری و دوری‌گزینی از افراط و تفریط و بی‌اثرسازی طرح و تلاش‌های دشمنان درونی و بیرونی است.

فهرست منابع

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

۱. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲. آشوری، داریوش (۱۳۸۵). فرهنگ سیاسی، تهران، انتشارات مروارید.
۳. آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۳ - ۱۴۱۰). غررالحکم و درر الکلم، ترجمه: سید حسین شیخ الاسلامی، قم، انصاریان.
۴. امیری، محمد (۱۳۹۶). مدیریت راهبردی حضرت یوسف (ع) و موسی (ع) در قرآن (پایان نامه) قم، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی.
۵. امیری، محمد (۱۳۹۸). امام علی و علوم انسانی (جمعی از نویسندگان و پژوهشگران)، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی.
۶. احمد، بن محمد (بی تا). مسند احمد، بیروت، دارالفکر، الطبعة الثانية.
۷. ابی یعقوب، احمد (بی تا). تاریخ یعقوبی، بیروت، دارصادر.
۸. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه. قاهره، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ ق.
۹. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول، قم، جامعه‌ی مدرسین.
۱۰. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰). البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، انتشارات دارالفکر.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل (۲۵۶ ق). صحیح بخاری، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). سرچشمه اندیشه، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۳. دشتی، محمد (۱۳۷۷). فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
۱۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳ - ۱۳۷۹). لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران - قم، لاهیجی.

۱۵. واسطی لیشی، علی (۱۳۷۶). عیون الحکم و لواعظ، قم، دارالحديث.
۱۶. طبری، محمد ابن جریر طبری (۱۳۷۴). تاریخ الرسل والملوک، تهران، سروش.
۱۷. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۱۸. طنطاوی، سید محمد (بی تا). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، نرم افزار جامع تفاسیر.
۱۹. کلینی، محمد بن یقوب (۱۴۰۷ - ۱۴۲۹). الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه - قم، دار الحديث.
۲۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳). بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۱. ——— (بی تا). میرآت العقول. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). سیری در نهج البلاغه، قم، صدرا.
۲۳. معادی خواه، عبدالمجید (بی تا). فرهنگ آفتاب، نشر ذره.
۲۴. محسنی، محمد آصف (۱۳۸۶). تقریب مذاهب از نظر تا عمل، قم، نشر ادیا.
۲۵. محسنی، محمد آصف (بی تا). جنگ در تاریکی (شیعه و سنی چه فرقی دارند؟) بی جا.
۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). راه و راهنما شناسی، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی.
۲۷. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقائد (دوره سه جلدی بی تا). قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی.
۲۸. میرزا حبیب الله خویی (بی تا). منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، تهران، مکتبه الاسلامیه.
۲۹. مجموعه مقالات (۱۳۸۸). همایش های قرآنی امام خمینی، تهران، عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام).
۳۰. نسائی، احمد بن شعیب (۱۴۰۳). خصائص الامام امیرالمؤمنین، طبعه الاولى.

۳۱. نجاری، رضا (۱۳۸۶). مبانی مدیریت اسلامی، تهران، دانشگاه پیام نور.
۳۲. نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا). صحیح مسلم، بیروت، دالفکر.
۳۳. سیوطی، جلا الدین (۱۴۰۴). الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۴. عبد الخالق، عبدالرحمن (بی تا). سیره اهل بیت (ع). ایران، زاهدان، المكتبه الاسلامیه.
۳۵. فیض کاشانی، ملأ محسن (۱۴۱۴). تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر.
۳۶. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰). تفسیر مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۷. صادقی، علی (۱۳۸۰). دانشنامه امام علی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۴۰۳). الخصال، تصحیح، علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۳۹. _____ (۱۴۱۳). من لایحضره الفقه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی.
۴۰. _____ (۱۴۱۱). علل الشرایع؛ قم، مکتبه الداوری.
۴۱. صبحی صالح (۱۴۱۴). نهج البلاغه، قم، هجرت.
۴۲. قنبری، بخشعلی (۱۳۹۶). مجله فروغ وحدت (مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی)، ش ۴۶.
۴۳. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (بی تا). ینایع الموده لذوی القربی، طهران، دار الاسوه.
۴۴. راغب، اصفهانی (۱۳۷۳-۱۴۱۴). مفردات الفاظ القرآن، قم، نوید اسلام و دارالقلم.
۴۵. ترمذی، محمد بن عیسی (بی تا). سنن الترمذی، بیروت، دار احیاء لثراث.
۴۶. شیبانی، علی (بی تا). اسدالغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، درالکتب العلمیه.
۴۷. خسروشاهی، سید هادی (۱۳۸۰). میزگرد تقریب بین مذاهب اسلامی (در قاهره - مصر)، تهران، کلبه شروق.